



## Cultural Planning Indicators from the Perspective of the Qur'an and Hadith

Meysam Khodamradi\*<sup>1</sup>, Asadollah Pazkian<sup>2</sup>

1. Assistant Professor, Department of Political Science, Police University,  
Tehran, Iran  
(Corresponding Author). Email: meysam.khm67@gmail.com
2. Lecturer at the Imam Hassan Mujtaba (PBUH) Police Officer Training and  
Education University, Tehran, Iran. Email: f.basirateashooray@gmail.com

### Abstract

Culture, which encompasses the customs, traditions, and values of a nation and society, forms the foundation and essence of human behavior, speech, and actions in life. Therefore, culture holds exceptional importance in different societies and schools of thought, and planning is undertaken for its formation, stabilization, correction, and continuity. Islam has played a significant role in promoting virtues, good manners, and customs, serving as the source of ethics and defining the relationship between humans, God, and the universe. Islam also portrays the origin and purpose of creation, illuminating the path for humans towards lofty goals and the perfection of humanity. Together, these elements form the sublime culture of Islam. This research aims to explain the most important cultural planning indicators derived from the Qur'an and Hadith so that cultural planners can take these factors into consideration. The research method is qualitative, and the approach is descriptive-analytical. Data collection was carried out through library research, referring to books, articles, theses, exegeses, Qur'anic verses, and narrations from the Infallible Imams (peace be upon them). The findings revealed that the most prominent cultural planning indicators from the perspective of the Qur'an and Hadith include the attractiveness and diversity of methods and programs, phasing, decisiveness and unwavering principles, selecting committed and specialized officials, eliminating superfluous matters, patience and perseverance, open-mindedness, creativity, ethical conduct, Islamic behavior, and monitoring and evaluation.

**Keywords:** Culture, Planning, Cultural Planning, Qur'anic Verses, Hadiths.

---

Received:	January 31 2024	Article Type:	Research Paper
Revised:	March 17, 2024	Published by:	Hazrat-e Masoumeh University
Accepted:	April 2, 2024	DOI:	10.22034/cjls.2025.2044259.1016
Available Online:	April 14, 2024		

## شاخص‌های برنامه‌ریزی فرهنگی از منظر قرآن و احادیث

میثم خدامرادی<sup>۱\*</sup>، اسدالله پازکیان<sup>۲</sup>

۱. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه:

f.basirateashooray@gmail.com

۲. مدرس، دانشگاه افسری و تربیت پلیس امام حسن مجتبی (علیه السلام)، تهران، ایران. رایانامه:

meysam.khm67@gmail.com

### چکیده

فرهنگ که مجموعه‌ای از آداب و رسوم و ارزش‌های یک ملت و جامعه است، شالوده و اساس رفتار، گفتار و عملکرد انسان را در زندگی تشکیل می‌دهد. به همین جهت فرهنگ در جوامع و مکاتب گوناگون از جایگاه و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و برای شکل‌گیری، تثبیت، اصلاح و بقای آن برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد. دین اسلام نیز در ترویج فضایل و آداب و رسوم نیکو نقش مؤثری داشته و منشأ اخلاق و متولی تعریف رابطه انسان با خدا و جهان هستی و تصویرکننده مبدأ و مقصد آفرینش و روشن‌کننده مسیر حرکت انسان به سوی اهداف متعالی و کمال انسانی است که مجموع این امور، فرهنگ متعالی اسلام را تشکیل می‌دهد. این پژوهش با هدف تبیین مهم‌ترین شاخص‌های برنامه‌ریزی فرهنگی از منظر قرآن و احادیث نگاه‌شده تا متولیان برنامه‌ریزی فرهنگی این شاخص‌ها را مدنظر قرار دهند. روش تحقیق از نوع کیفی بوده و روش پژوهش توصیفی تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای و با استناد به کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، تفاسیر، آیات قرآن و روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان داد برجسته‌ترین شاخص‌های برنامه‌ریزی فرهنگی از دیدگاه قرآن و احادیث، جذابیت و تنوع شیوه‌ها و برنامه‌ها، مرحله‌بندی، قاطعیت و عدم سازش در اصول، انتخاب مسئولان متعهد و متخصص، حذف امور بیهوده، صبر و استقامت، شرح صدر، خلاقیت، سلوک اخلاقی و رفتار اسلامی و نظارت و ارزشیابی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ، برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی فرهنگی، آیات، احادیث.

تاریخ دریافت:	۱۴۰۲/۱۱/۱۱	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۲/۱۲/۲۷	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه(علیها السلام)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۳/۰۱/۱۶	DOI:	10.22034/cjls.2025.2044259.1016
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۳/۰۱/۲۶		

یکی از الزامات توسعه فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی است. برنامه‌ریزی فرهنگی برای گروه‌های مختلف همچون کودکان، نوجوانان و جوانان و حتی میانسال و کهنسال اعم از زن و مرد را در برمی‌گیرد که در این تحقیق، مهم‌ترین شاخص‌های آن، با محوریت آیات قرآن و روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) تدوین می‌یابد. چراکه انجام کار فرهنگی در سطح کلان و با بیشترین بازدهی و کمترین آسیب، باید بر اساس اصول و شاخص‌هایی تبیین گردد که با مبانی، عقاید، باورها و سبک زندگی ملی و مذهبی یک جامعه تطبیق داشته باشد.

مقوله فرهنگ به نوعی بنیان و اساس هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد و نمی‌توان آن را بر اصول غیرعلمی و برنامه‌ریزی نشده استوار کرد. بی‌برنامه بودن و فرم نامناسب مدل‌های فرهنگی در مقابل دیگر کشورها که با برنامه‌ریزی و آگاهی و تسلط پا در عرصه جهانی می‌گذارند، کشور را در مقابل هجمه مهاجمان فرهنگی تاندازه‌ای ناکارآمد و آسیب‌پذیر می‌نماید. امروزه بسیاری از سازمان‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از دانش مدیریت و برنامه‌ریزی برای افراد جامعه بهره می‌گیرند در حالی که سابقه و میزان استفاده از این نوع مدیریت و برنامه‌ریزی در بخش فرهنگی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه بسیار اندک و ناچیز است. به‌طوری‌که باید اذعان کرد در ایران، علیرغم موفقیت‌های چشمگیر در حوزه‌های مختلف فرهنگی پس از انقلاب اسلامی، فقدان یک برنامه‌ریزی فرهنگی منطبق با موازین اسلامی، زمینه بهره‌مندی کشور را از فرصت‌های طلایی نیروی انسانی در حوزه‌های فرهنگی کاهش داده و بسیاری از آنان را در قبال بسیاری از معضلات فرهنگی منفعل ساخته است؛ بنابراین، پژوهش پیرامون مهم‌ترین شاخص‌های برنامه‌ریزی فرهنگی با محوریت کتاب آسمانی قرآن و سیره نبوی و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) مهم و ضروری می‌رسد تا متولیان فرهنگی برای برنامه‌ریزی از آن‌ها بهره‌مند گردند.

در مورد پیشینه موضوع، باید گفت در ادامه به برخی آثار مکتوب و پژوهشی که به نحو مستقیم و غیرمستقیم با موضوع حاضر مرتبط هستند، اشاره می‌گردد. از جمله کتاب «اصول مدیریت فرهنگی در قرآن کریم» نوشته زهرا سادات موسوی، نشر رزا، ۱۳۹۷، در این کتاب با تکیه بر سیره مدیریتی حضرت یوسف، سلیمان و پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله)، اصول مدیریت فرهنگی را از متن قرآن استخراج نموده است. همچنین «نگاهی جدید به دین، دولت، برنامه‌ریزی فرهنگی» نوشته سیدمحمد مهدی میرباقری، فرهنگستان علوم اسلامی، ۱۳۹۰. این کتاب به تبیین مفهوم دین، فرهنگ و برنامه‌ریزی پرداخته و به تبیین جایگاه دولت در برنامه‌ریزی فرهنگی می‌پردازد و ضرورت توجه به فرهنگ و ساماندهی و برنامه‌ریزی برای آن را گوشزد می‌نماید.

از میان آثار پژوهشی نیز می‌توان به مقاله «بررسی روندهای مؤثر بر برنامه‌ریزی فرهنگی در جهان اسلام» نوشته ناصر براتی، احمد پوراحمد، عین‌الله کشاورز ترک اشاره کرد. همچنین مقاله «الگوی پیشنهادی برای شناخت، مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی» نوشته سیدثانی عبدالرزاق مصطفی مقدم، مجله برنامه، ۱۶ آبان ۱۳۸۸، شماره ۳۴۰.

در مقایسه با آثار فوق، در مقاله حاضر تلاش شده است، با محور آیات قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم السلام)، مهم‌ترین شاخص‌های برنامه‌ریزی فرهنگی تبیین گردد.

## ۱. بررسی مفاهیم

با روشن شدن مفهوم برخی کلمات در مقاله حاضر، زمینه برای طرح مباحث اصلی فراهم می‌گردد.

**برنامه‌ریزی:** منظور از برنامه‌ریزی، «مداخلات هدفمند، آگاهانه و سنجیده انسانی در سیر حوادث و فرایندهاست که نتیجه آن ممکن است موفقیت‌آمیز باشد، کم‌وبیش موفقیت‌آمیز باشد و یا اصلاً موفقیت‌آمیز نباشد. چنانچه نتایج موفقیت‌آمیز باشد، بدین معناست که حوادث و فرایندها عیناً همانند آنچه در برنامه پیش‌بینی شده، در عالم واقع بازتولید می‌شوند. در این صورت می‌توان به این مجموعه از حوادث و فرایندهای با تولیدشده، مفهوم برنامه‌ریزی شده را اطلاق کرد.» (چلبی، ۱۳۸۱، ص ۱۲)

**فرهنگ:** در تعریف فرهنگ نیز گفته شده «مجموعه‌ای از آداب، رسوم، سنن، آیین‌ها و باورها که جوامع کوچک یا بزرگ در زندگی روزمره به کار می‌گیرند و با آن زندگی می‌کنند؛ به عبارت دیگر فرهنگ دارای چهار عنصر واقعی و غیرقابل تغییر عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهاست که شیوه زندگی یک ملت را تعیین و تبیین می‌کند.» (حسن‌پور، ۱۳۸۶، ص ۲۹) منظور از فرهنگ در این پژوهش، عقاید، باورها، آداب و رسوم، ارزش‌ها و هنجارهای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است که مهم‌ترین منابع آن، قرآن به‌عنوان کلام خدا و سیره پیامبر مکرم اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) است.

فرهنگ اسلامی را مفاهیم و مبانی چون توحید و باورمندی به نبوت و معاد و اخلاق شکل می‌دهد.

**برنامه‌ریزی فرهنگی:** به‌معنای استفاده از فرهنگ برای شکل‌دهی به آینده، بر اساس ارزش‌ها و هنجارها است. این فرآیند شامل طراحی اقدامات و تدابیر برای حل مسائل فرهنگی و رسیدن به اهداف خاص است. یکی از تعاریف آن این است که «برنامه‌ریزی فرهنگی عبارت است از طراحی مجموعه‌ای از رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌ها، اقدامات و تدابیر برای مسائل فرهنگی بر اساس یک آینده محتمل یا متصور» (رضایی و فردرو، ۱۳۸۶، ص ۷۹). در تعریفی دیگر، به‌عنوان فرآیند مدیریت پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، زیست‌محیطی، سیاسی و نمادین منابع فرهنگی

شهر مطرح می‌شود: «برنامه‌ریزی فرهنگی به فرایند تشخیص پروژه‌ها، طراحی برنامه‌ها و مدیریت راهبردهای اجرا گفته می‌شود. هدف از این نوع برنامه‌ریزی، نه برنامه‌ریزی کردن فرهنگ که در واقع کسب نگرشی فرهنگی به انواع سیاست‌گذاری‌های عمومی است» (ایوانز، ۱۳۸۱، ص ۳۵).

برنامه‌ریزی فرهنگی را می‌توان «مجموعه اقدامات آگاهانه‌ای دانست که می‌کوشد از طریق تغییر در برخی پدیده‌ها، به اهداف موردنظر خود دست یابد» (چلبی، ۱۳۸۱، ص ۲). برخی ویژگی‌های برنامه‌ریزی فرهنگی شامل پیچیدگی، دربرگیری تمام طیف‌های جامعه، زمان‌بر بودن، چندوجهی بودن، درگیر بودن با عوامل متعدد و احتمال بالای شکست است (رضایی و فردرو، ۱۳۸۶، ص ۸۰). به‌طور کلی، نتایج برنامه‌ریزی فرهنگی ممکن است موفقیت‌آمیز یا ناموفق باشد و تحت تأثیر شرایط اجتماعی و تحولات غیرقابل پیش‌بینی قرار گیرد (همان، ص ۱۰۳).

ویژگی اساسی برنامه‌ریزی فرهنگی موفق، اجرای آن در بستری است که حداقل طراوت و نشاط فرهنگی را داشته باشد و نتایج آن موجب افزایش این طراوت شود. این امر به‌ویژه نیازمند مشارکت داوطلبانه مردم است. همچنین، برنامه‌ریزی فرهنگی به‌عنوان یک ابزار، محدودیت‌هایی دارد که توسط نظام‌های مختلف برنامه‌ریزی تحمیل می‌شود. یکی از این محدودیت‌ها به ویژگی‌های خاص فرهنگ برمی‌گردد؛ فرهنگ قابلیت محدودی برای پذیرش تغییرات دارد و نوع تغییرات، دامنه آن و زمان‌بندی برای آن از مسائل کلیدی است (بهرامی، ۱۳۸۸، ص ۴۲).

نکته دیگری که در برنامه‌ریزی فرهنگی باید مدنظر قرار گیرد، تنوع فرهنگی است. در جوامع مختلف، از جمله ایران، وجود فرهنگ‌های گوناگون نشان می‌دهد که طرح یک برنامه واحد برای همه گروه‌های فرهنگی ممکن است کارآمد نباشد. در نهایت، برنامه‌ریزی فرهنگی تنها به توسعه کمی و کیفی حوزه‌های فرهنگی محدود نمی‌شود، بلکه به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، گفتمان‌های جدیدی را ایجاد می‌کند.

## ۲. مهم‌ترین شاخص‌های برنامه‌ریزی فرهنگی

از دیدگاه آیات و روایات، مهم‌ترین شاخص‌های برنامه‌ریزی فرهنگی عبارت‌اند از:

### ۲-۱. جذابیت و تنوع شیوه‌ها و برنامه‌های فرهنگی

جذابیت و تنوع در شیوه‌ها و برنامه‌های فرهنگی باعث ایجاد تشنگی و علاقه در بین افراد جامعه از طیف‌های مختلف و با سلیق متفاوت می‌گردد. با توجه به پژوهش‌هایی که با موضوع شیوه‌های دعوت اسلامی پیامبر مکرم اسلام و فعالیت‌های فرهنگی ایشان صورت گرفته، حدود پنجاه شیوه

مستقل استخراج شده است؛ از راهکارهای اساسی و استراتژی‌ها گرفته تا شیوه‌های مقطعی و جزئی که پژوهشگران معتقدند با نگاه دقیق‌تر و بررسی وسیع‌تر در سیره تبلیغی آن حضرت، می‌توان ده‌ها شیوه کارساز دیگر را نیز استنباط کرد. (حجتی و عباسی مقدم، ۱۳۷۷، ص ۱۹۱)

نکته مهم در این باره آن است که قطعاً همه کسانی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، دارای یک سلیقه، فرهنگ، بینش، دین و مذهب و آیین نیستند؛ بنابراین توجه به سبک‌های مختلف زندگی بومی و منطقه‌ای و تنوع سلاقی و گرایش‌ها مذهبی و دینی باعث می‌شود اولاً برنامه‌های فرهنگی برای مناطق مختلف متناسب با فرهنگ بومی و سلیقه و آداب و سنن رایج آن منطقه طراحی گردد، ثانیاً توجه به این مسئله باعث جذب حداکثری افراد جامعه و طیف‌های گوناگون برای مشارکت و جذب و فعالیت آنان در برنامه‌های فرهنگی می‌شود. بخصوص جوانان هر منطقه که انگیزه بسیار بالایی برای فعالیت‌های فرهنگی و نقش‌آفرینی در فرهنگ منطقه خود دارند و برای مشارکت و تعاون و همکاری در برنامه‌های فرهنگی و جذب آن‌ها از گروه‌های مختلف باید به دنبال اشتراکات و چشم‌اندازهای واحد بود. نکته دیگر آنکه اگر در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی به سلاقی مختلف توجه گردد، تألیف قلوب و دل بستگی و جذب آن‌ها به جامعه اسلامی و ارزش‌های کشور بیشتر خواهد شد.

به‌عنوان نمونه، قطعاً همه مردم جامعه افرادی دیندار و یا مسلمان نیستند اما افرادی وطن‌پرست و وطن‌دوست بوده و احساسات و عواطف ملی دارند؛ بنابراین می‌توان در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برای چنین افرادی از مؤلفه‌های هویت ملی و وطنی بهره جست. نکته جالب توجه آنکه یکی از زمینه‌هایی که دشمنان در آن فعالیت نموده و تا حدودی نیز موفق بوده، آن است که ایمان و مذهب را در مقابل وطن‌دوستی نشان می‌دهد، در این حالت، دشمن درصدد آن است که به مردم نشان دهد ایمان به اسلام و تشیع یعنی رد اسطوره‌های ملی و در برابر آن، اعتقاد و افتخار به اساطیر و مفاخر ملی مورد قبول دین نبوده و یا حتی رد شده است. در این زمینه، اگر متولیان برنامه‌ریزی فرهنگی بتوانند میزان انطباق دین و وطن‌دوستی را نشان دهند، در موفقیت برنامه‌های فرهنگی تأثیر زیادی خواهد داشت. (حسینی صفا و غیاثوند، ۱۳۹۸، ص ۷۵-۹۸)

برای این منظور به احادیث معتبر و متعددی می‌توان استناد کرد که نشان می‌دهد دین نه تنها وطن‌پرستی را رد و نفی نمی‌کند بلکه آن را خوب و محترم می‌شمارد. چنان‌که حضرت علی در این زمینه فرموده‌اند: «عُمَرَتِ الْبُلْدَانِ بِحُبِّ الْأَوْطَانِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ق، ص ۲۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۷۵، ص ۴۵) شهرها با وطن‌دوستی آباد می‌گردند. همچنین می‌فرمایند: «مِن كَرَمِ الْمَرْءِ بُكَاءُهُ عَلَى مَا مَضَى مِنْ زَمَانِهِ وَ حِينَهُ إِلَى أَوْطَانِهِ وَ حِفْظُهُ قَدِيمِ إِخْوَانِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۷۴، ص ۲۶۴) از

بزرگواری انسان است، گریستن او بر زمان سپری شده‌اش و علاقه او به میهنش و نگاه داشتن دوستان دیرینه‌اش.

پیامبر بزرگوار اسلام نیز به منظور یافتن راه نفوذ در دل و اندیشه مخاطبان، درصدد بیان نقاط مشترك عقیدتی با آنان بود تا آن مشتركات را واسطه ارتباط عمیق‌تر و منطقی‌تر قرار دهد. پیامبر به جای آنکه از ابتدا نقاط اختلافی و تعصب انگیز را مطرح سازد، بر توحید و انسانیت که قدر مشترك تمام تفکرات و ادیان است تأکید می‌ورزد و خدا به پیامبر فرمان داده که به این شیوه مجهز باشد. (فضل‌الله، ۱۳۹۹ ق، ص ۷۰)

## ۲-۲. مرحله‌بندی تبلیغ و زمان‌بندی برنامه‌ریزی فرهنگی

در برنامه‌ریزی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اثرگذار در موفقیت آن، زمان‌بندی و مرحله‌بندی آن است.

برخی سیره نویسان، مراحل دعوت نبوی را در دو و برخی سه مرحله نام برده‌اند:

۱. مرحله دعوت مخفی و انفرادی؛ که سه سال به طول انجامید. به روایت طبری، حضرت رسول، از ابتدای نبوت تا سه سال به‌طور نهانی دعوت می‌کرد تا مأمور به اظهار دعوت شد و آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر: ۹۴) و آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء: ۲۱۴) نازل شد.

۲. مرحله انذار عشیره با نزول آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»؛ در این مرحله که بین دو مرحله دعوت مخفی و آشکار واقع شده و مدتی محدود و اندک به طول انجامید، پیامبر سعی در تشکیل نخستین صف ایمانی و خط دفاعی در برابر دشمنی‌های روزافزون مشرکان داشت. آن حضرت در این مرحله، از تعلقات قبیله‌ای خویشان خود نیز بهره جست تا حمایت آنان را جلب کند.

۳. مرحله دعوت آشکار و همگانی؛ با نزول آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر: ۹۴) فرمان دعوت علنی و آشکار به پیامبر رسید و دوران تبلیغ بی‌وقفه در صحنه اجتماع و درگیری‌ها و موضع‌گیری‌های خصمانه آغاز شد. پس از آنکه پیامبر بستگان نزدیک خود را انذار کرد و پس از انتشار قضیه نبوت در مکه، که قریش جدی بودن آن را درک کرد و حمله‌های خود را علیه آن شروع نمود، خداوند به پیامبرش فرمان داد تا دعوت خویش را علنی سازد و حتی از قریش بخواهد که تسلیم پروردگار شوند و اسلام را بپذیرند. (حویزی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۴)

## ۲-۳. قاطعیت و عدم سازش در اصول

بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد در مواجهه با برنامه‌های فرهنگی اسلام، همواره مخالفت‌ها، انتقادات و دشمنی‌هایی صورت گرفته است که مهم‌ترین واکنش قرآن و اهل بیت و بزرگان دین به دشمنی‌ها، قاطعیت و عدم سازش در مورد شاخص‌های فرهنگ اسلام است. چنان‌که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «رَوَّحْنَا فَمِنْ فَإِذَا اسْتَوْصَحَتْ فَأَجْزِمُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۸، ص ۳۴۱) تأمل کن تا دوران‌دیش باشی هنگامی که جوانب کار روشن شد، قاطعانه آن را انجام بده.

ایشان در حدیثی دیگر، رسیدن به موفقیت و پیروزی را در قاطعیت و اراده پایدار می‌دانند: «الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ وَالْجَزْمِ» (همان، ج ۷۲، ص ۷۱) پیروزی با دوران‌دیشی (برنامه‌ریزی) و اراده پایدار (قاطعیت) به دست می‌آید.

در سیره پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله)، وقتی مخالفت‌ها و ستیزها در برابر ایشان متوجه شاخص‌های اعتقادی و عملی مانند توحید، معاد، عدالت و عدم تبعیض بود، هیچ‌گونه نرمش و سازشی از سوی آن حضرت مشاهده نمی‌شد. براساس روایتی، اهل مکه به پیغمبر گفتند: «ای محمد، آیین قومت را ترك گفתי، درحالی‌که ما می‌دانیم جز فقر تو را به این امر و انداخته، پس بیا تا ما از دارایی‌های خود برای تو گرد آوریم و تو را از ثروتمندترین مردم گردانیم.» (طبرسی، ۱۴۰۵ ق، ج ۴، ص ۲۷۹) پس این آیه نازل شد: «قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ أَخِيًّا وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ» (انعام: ۱۴) بگو، آیا غیر از خدا - پدید آورنده آسمان‌ها و زمین - سرپرستی برگزینم و اوست که خوراك می‌دهد و خوراك داده نمی‌شود. بگو: من مأمورم نخستین کسی باشم که اسلام آورده است.

از طرف دیگر، روایات متعددی مبنی بر سازش و گرایش مشرکان به اسلام، به شرط مداهنه و سازش رسول گرامی و ترك سخن گفتن در مورد معایب بت‌ها و پیروی از بعضی از عقاید آن‌ها به منظور حفظ آبروی ایشان در برابر توده‌های عرب در تاریخ ذکر شده است؛ اما چون این درخواست‌ها در مورد اصل دینت و عقاید بنیادین بوده، هیچ‌گونه نرمشی را از سوی پیامبر (صلی الله علیه وآله) در پی نداشته است. (سید قطب، ۱۴۰۸ ق، ج ۶، ص ۳۶۵۹)

تاریخ و سیره پرافتخار پیامبر نشان می‌دهد که آن حضرت علیرغم تمام شیوه‌های رندانه دشمن، مانند تحیب، تطمیع، تهدید، تهمت، شکنجه، سوء قصد و در نهایت محاصره اقتصادی و سیاسی، (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۰، ص ۹۹) راه مداهنه و سازش را در هیچ مقطعی در پیش نگرفت و با قاطعیت برنامه‌های فرهنگی الهی خویش را پیش برد. در حقیقت «پیامبر در مسائل اصولی هرگز

نرمش نشان نمی‌داد؛ درحالی‌که در مسائل شخص فوق‌العاده نرم و مهربان بود و فوق‌العاده عفو و گذشت داشت که این‌ها نباید با یکدیگر اشتباه شود.» (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۲۳۶)

بنابراین با توجه به سیره پیامبر اسلام و آموزه‌های قرآن، باید برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برای حفظ شاخص‌های اسلام صورت گیرد و در مسیر حفظ آن با دشمنان دین با قاطعیت و عدم سازش روبه‌رو گردید.

## ۲-۴. انتخاب مسئولان مناسب، متخصص و متعهد

انتخاب مسئول، مبلغ و متولی امور فرهنگی که دغدغه‌مند، متخصص، متعهد، امانت‌دار و مسئولیت‌پذیر باشد، باید از مهم‌ترین دغدغه‌های متولیان برنامه‌ریزی فرهنگی قرار گیرد. بخصوص در میان اقوام، مناطق بومی و دارای مذهب و آیین خاص، انتخاب مسئولان فرهنگی خوشنام، فعال و اثرگذار بسیار مهم به شمار می‌رود. چنانکه در سیره پیامبر اعظم، آن حضرت وقتی در آغاز مرحله دعوت گسترده خود از قریش پرسید: «آیا تاکنون شنیده‌اید من دروغ بگویم؟» (طبری، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۱) ذهنیت مثبت مردم درباره خود را سرمایه‌ای برای آماده‌سازی فضای ارتباطی قرار داد تا بتواند با آسانی بیشتری دعوت خویش را عرضه کند. اعتراف و هشدار نصر بن حارث در این زمینه حائز اهمیت بسیار است که گفت: «ای قریشیان! قسم به خدا به پدیده‌ای دچار شده‌اید که تاکنون چاره‌ای برای آن نیندیشیده‌اید، محمد (از همان زمان که) نوجوانی کم سن و سال در میان شما بود از هیچ‌کس به اندازه او خشنود نبودید و راست‌گوترین شما و امانت‌دارترین شما به شمار می‌آمد.» (ابن سعد، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۲۰)

با گسترش اسلام، بتردید تبلیغ پیامبر همیشه به صورت مستقیم توسط خود ایشان رخ نمی‌داد، به‌خصوص آن زمان که مسلمانان در گوشه و کنار قلمرو پهن‌اور دولت اسلامی پراکنده شدند و عملاً امکان دسترسی بیواسطه به آنان و به‌کارگیری شیوه‌های تبلیغی مستقیم برای ارشاد و هدایت آنان ناممکن بود، از این‌رو چاره‌ای جز استفاده از نیروهای واسط، برای رسیدن به چنین هدفی در میان نبود. به‌کارگیری نیروهای واسط در تبلیغ غیرمستقیم توسط پیامبر به نیروسازی و تربیت انسان‌های شایسته و توانا وابسته بود (حجتی و عباسی مقدم، ۱۳۷۷، ص ۱۹۰) و انتخاب مبلغان و متولیان تبلیغ اسلام برای اعزام به مناطق مختلف از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از میان کسانی بود که در این امر بسیار شایسته، متخصص و متعهد بودند.

شاید بتوان اولین مبلغان و متولیان فرهنگی اسلام را گروهی از مسلمانان دانست که به سرپرستی جعفر بن ابیطالب (علیه السلام) به حبشه هجرت کردند. این هجرت ضمن آن‌که باعث

حفظ عقاید و تأمین آزادی این گروه مهاجر شد، زمینه گسترش اسلام را در خارج از شبه جزیره عربستان فراهم آورد. تلاش نمایندگان قریش برای بازگرداندن مسلمانان و استدلال‌های جعفر بن ابیطالب نماینده مسلمانان در مورد اسلام و آشنا کردن پادشاه حبشه با مبانی این دین، باعث تمایل وی به اسلام و شکست و ناکامی قریش گردید و زمینه گسترش اسلام در خارج از عربستان را فراهم کرد.

جناب جعفر بن ابیطالب (علیه السلام)، اولین سفیر دولت اسلامی به خارج از حجاز بود. در واقعه هجرت به حبشه، تنها کسی که از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان فرمانده و امیر مهاجران و همچنین نخستین سفیر دولت اسلامی برای تبلیغ اسلام در خارج از حجاز مناسب تشخیص داده شد، جناب جعفر بن ابیطالب (علیه السلام) بود. اگر به واقعه هجرت به حبشه با نگاه دقیق نگریسته شود، این سؤال پیش می‌آید که علت هجرت جعفر به حبشه چه می‌تواند باشد و آیا ایشان همانند سایر مسلمانان برای فرار از شکنجه و آزار مشرکین مکه به حبشه هجرت نمودند یا دلیل دیگری داشته است. مسلم است که با وجود ابوطالب (علیه السلام) و جایگاه والای ایشان در مکه و ترسی که قریش از ایشان داشتند امکان شکنجه و آزار و اذیت ایشان توسط مشرکان وجود نداشته است. پس باید دلیل دیگری در کار باشد که جناب جعفر به حبشه مهاجرت می‌نمایند و چه دلیلی مهم‌تر و بالاتر از اینکه پیامبر در اولین حرکت تبلیغی اسلام در خارج از شبه جزیره باید شخصی را برای سفارت خویش انتخاب کنند که هم آشنا و آگاه به اسلام و متخصص در کار خود و هم مطیع و فرمان بردار از شخص پیامبر اکرم، امانت‌دار و متعهد و مسئولیت‌پذیر باشد و هم دارای جایگاه والا و شباهت رفتاری و اخلاقی به پیامبر اسلام باشد. در حقیقت با عنایت به این موضوع، مردمان آن دیار با نگاه به سفیر اسلام و شایستگی‌های اخلاقی وی، می‌بایست به حقیقت پاک و ناب اسلام پی ببرند و از کسی که نسبت به مسائل و معارف دین، آگاهی کامل و همه‌جانبه دارد، دعوت اسلام را دریافت نمایند و تنها کسی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای این وظیفه مناسب تشخیص داد، جناب جعفر بود، چراکه هم از جهت عقل و خرد و اصالت رأی و تفهیم و تفهم مبادی اسلام کسی مانند جعفر نبود، همچنین این مسئله باید بر عهده کسی گذاشته می‌شد که بتواند از عهده وظیفه مهمی همچون سفارت دولت اسلامی در حبشه برآید که پیامبر مکرم اسلام، کسی را بافضیلت‌تر و شایسته‌تر از جناب جعفر تشخیص نداد. جعفر بن ابیطالب کسی بود که در محاجه، فصاحت و بلاغت و حفظ قرآن کریم پیشرو بود. (فلیح حنوش، ۲۰۰۳ م، ص ۶۳)

از سوی دیگر، حضور کسی چون امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در کنار پیامبر و در مکه بسیار ضروری بود، لذا پیامبر اسلام با توجه به شایستگی‌های جناب جعفر، ایشان را که اُنبه الناس خَلقاً

و خُلُقاً به پیامبر بودند به سرپرستی و امارت مهاجرین به حبشه و مهم‌تر از همه سفارت خود در آن دیار منصوب نمودند، چنان‌که در پیام خود نیز به پادشاه حبشه فرمودند: «و قَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ ابْنَ عَمِّي جَعْفَرًا و معه نَفْرٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِذَا جَاءَوكُمْ فَأَقْرَهُمْ و دَعِ التَّجْبُرَ فَإِنِّي أَدْعُوكَ و جنودك إلى الله فقد بَلَّغْتُ فأقبلو نُصْحِي و السلام على من أتبع الهدى» (دمیاطی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۱۷۵) به سوی شما پسرعمویم جعفر را فرستادم و همراه او عده‌ای از مسلمانان هستند. چون نزد شما آمدند آنان را بپذیر و غرور و کبر را کنار بگذار که من تو و یارانت را به خدا دعوت می‌کنم، نصیحتم را بپذیر و سلام بر آنکه تابع هدایت است. پس از ورود مسلمانان به حبشه، با تقدیم‌نامه پیامبر اکرم به نجاشی، پادشاه حبشه در محلی نزدیکی کاخ وی، اسکان داده شدند. (جمیل، بی‌تا، ص ۱۵۳)

همچنین در این زمینه می‌توان از اعزام مصعب بن عمیر به‌عنوان مبلغ اعزامی از سوی پیامبر، برای آشنا ساختن مردم یثرب با اسلام و قرآن نیز نام برد که این سفر تبلیغی زمینه‌ساز انعقاد پیمان عقبه دوم بین پیامبر و مردم این شهر گردید و مقدمات هجرت تاریخی آن حضرت را به مدینه را فراهم ساخت. (واقدی، بی‌تا، ص ۲۲۳)

اعزام مصعب بن عمیر به مدینه پس از پیمان اول عقبه برای تعمیم احکام و قرائت قرآن، موفق‌ترین و مؤثرترین اعزام مبلغ در طول تاریخ ادیان است. وی علاوه بر آگاهی و احاطه بر مبانی و تعالیم اسلام، توان مدیریت و رهبری گروه را نیز داشت. چگونگی برخورد وی با مردم مدینه و آموزش احکام شریعت و تلاوت قرآن در بین آنان در پیروزی و رسیدن به هدفش سهم مهمی داشت. در برخی منابع، جزئیات ریز رفتارهای او ذکر شده است، از جمله این‌که او جوانی بود که از لباس‌های برازنده و خوب استفاده می‌کرد و همواره معطر و خوش‌بو بود. به‌یقین، می‌توان گفت: این ویژگی‌ها در کنار شایستگی‌هایی که گفته شد، در گرایش مردم، به سوی اسلام بی‌تأثیر نبوده است. تبلیغات سازنده و مؤثر مصعب بن عمیر، مبلغ جوان و برازنده پیامبر و فعالیت تبلیغی بیعت‌کنندگان عقبه اول و دوم در میان مردم مدینه و در قبایل و طوایف مختلف باعث شد که روزبه‌روز نام رسول خدا و اسلام بیشتر بر سر زبان‌ها بیافتد و افراد زیادتری شیفته و دل‌باخته حضرت گردند. (دوانی، ۱۳۶۱، ص ۲۹۰)

در نمونه‌ای دیگر، پیامبر اسلام، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را برای تبلیغ دین به یمن فرستادند. سبک برخورد حضرت علی (علیه السلام)، مدارا، خویشتن‌داری و استقامت آن حضرت و نیز تکریم شخصیت و احاطه علمی ایشان نقشی عظیم در گرایش مردم یمن به اسلام ایفا کرد. این در حالی است که خالد بن ولید پیش از این به یمن فرستاده شده بود، اما در این امر توفیقی

نداشت. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۱، ص ۳۶۰) از دیگر ویژگی‌های رفتاری امیرالمؤمنین در این سفر تبلیغی، مردم‌داری و رعایت مقتضای حال بود. ایشان در بین مردم یمن نماز خواند و مسلمانان را با اهل یمن در صفتی واحد قرار داد و در برابر آنان قرار گرفت، به گونه‌ای که همه او را ببینند و سخنش را بشنوند. آنگاه با فصاحت تمام، پس از حمد و ثنای الهی، نامه پیامبر را برای آنان قرائت کرد. سبک و شیوة امیرالمؤمنین در این برخوردها، چنان جاذب و مؤدبانه و همراه با نرمی و استواری بود که در عرض يك روز، تمام قبیله «همدان» اسلام آوردند. (همان، ص ۳۶۳)

بنابراین همان‌گونه که بیان شد از شیوه‌های تبلیغ پیامبر، گسیل داشتن افراد متخصص و نخبه و بافضیلت از مسلمانان به مناطق دور و نزدیک بود. این فرستادگان، گاهی حامل پیام دعوت اسلام و ایمان به رسالت بودند و زمانی مأمور ارشاد و تعلیم اقوام و گروه‌هایی که پیش از این به جرگه مسلمانان پیوسته بودند. این نوع مأموریت‌ها، بیش از هر چیز، پویایی و تحرک دستگاه فرهنگی و تبلیغی رسول اکرم را نشان می‌داد. (حجتی و عباسی مقدم، ۱۳۷۷، ص ۱۹۸) این اعزام‌ها، گاه نیز به درخواست و پیشنهاد افراد یا قبایل صورت می‌گرفت؛ مانند اعزام معاذ بن جبل به یمن که پیامبر هنگام فرستادن او سفارش‌های مفید و ارزشمندی در جهت تبلیغ بهتر بیان فرمود. پیامبر از او خواست تا اهل کتاب آن دیار را به توحید دعوت کند؛ اگر پذیرفتند آن‌ها را به نمازهای یومیه، آنگاه به روزه رمضان و پس از آن که همه این‌ها را پذیرفتند، به پرداخت زکات دعوت کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۷، ص ۱۲۹)

## ۲-۵. حذف امور بیهوده و لغو

در برنامه‌ریزی فرهنگی باید امور بیهوده حذف و تمرکز بر روی امور مفید و مؤثر و اولویت‌دار باشد. امام علی (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «شَرُّ مَا شَغَلَ بِهِ الْمَرْءُ وَقَتَهُ الْفُضُول» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۴۰۹) بدترین چیزی که آدمی وقت خود را صرف آن می‌سازد، کارهای اضافی است.

در قرآن اعراض و دوری از لغو را از ویژگی‌ها و خصال مؤمنین و حق طلبان دانسته و می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ (مؤمنون: ۳) مؤمنان از کارهای بیهوده، روی‌گردان هستند.

نتیجه ایمان و بینش و نگرش الهی و عقلانی بشر به موضوعات و مسائل دنیا، این خواهد بود که خود را از هرگونه کار بیهوده و لغو دور نگه می‌دارد و اجازه نمی‌دهد تا دیگران و یا شرایط بیرونی زندگی او را برنامه‌ریزی و مدیریت کند. عبور از هرگونه اعمال و رفتار لغوی که شرایط بیرونی می‌کوشد تا بر انسان مؤمن و خردمند تحمیل کند، تنها با برخورد کریمانه ممکن و شدنی است و این همان مدیریت درست و مناسب زندگی است که انسان می‌بایست یاد بگیرد و بدان عمل کند.

(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۴۴)

در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، باید امور فرهنگی، سیاست‌ها و اقدامات به‌گونه‌ای ساماندهی شود که هرکس به مسئولیت خود به خوبی عمل نموده و در راستای رسیدن به اهداف الهی و متعالی فرهنگ اسلام مؤثر و اثرگذار باشد و هرگونه رفتار، کردار و اقدامی که بیرون از دایره مسئولیت و اهداف الهی باشد، امری لغو و بیهوده است. (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹، ص ۳۰)

بعلاوه، گنجانیدن امور بیهوده و لغو در برنامه‌های فرهنگی موجب بیهوده‌گرایی و رویکرد به پوچ‌گرایی و زندگی توخالی خواهد بود که شخصیت انسان و ارزش‌های والا و متعالی انسانی را نابود می‌سازد و نه تنها افراد را از رشد و تعالی بازمی‌دارد و بی‌هویت می‌کند بلکه موجب سقوط و هلاکت او خواهد شد. چراکه بیهوده‌گرایی و لغو، موجب اتلاف وقت طلابی افراد شده، سرمایه اصلی آن‌ها که همان عمر و وقت آن‌هاست از او می‌گیرد. در نتیجه به پوچی و بیهودگی می‌رسد. (همان، ص ۳۲) درحالی‌که فرهنگ اسلام بر پرهیز از لغو و بیهوده‌گرایی و پر کردن اوقات با کارهای ارزشمند و شایسته که باعث ترقی انسان در ابعاد مختلف می‌شود، تأکید نموده است.

## ۲-۶. صبر و استقامت

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های برنامه‌ریزی فرهنگی، داشتن صبر، شکیبایی و استقامت است. از اولویت‌های داشتن نگاه بلندمدت به برنامه‌های فرهنگی آن است که نباید منتظر نتیجه و نفوذ سریع و فوری بود و علاوه بر آن باید در مواجهه با مشکلات، سختی‌ها، مخالفت‌ها، دشمنی‌ها و... صبر و استقامت به خرج داد.

قرآن در باره عدم انتظار برای نتیجه سریع می‌فرماید: ﴿وَإِنْ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتُوفِيَنَّكَ فِإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ﴾ (رعد: ۴۰) ای پیامبر در فکر دیدن سریع نتیجه کار مباش، زیرا اگر بخشی از آنچه را به آنان وعده می‌دهیم (در زمان حیات تو) به تو نشان دهیم یا تو را از دنیا ببریم (بدان که ما وعده‌های خود را محقق خواهیم کرد) پس وظیفه تو تنها تبلیغ است و حساب تنها با ماست.

طبق آیه شریفه، گاهی آثار فعالیت‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و امور فرهنگی، حتی بعد از رفتن افراد و متولیان فرهنگی پدیدار می‌شود، پس در انجام وظیفه نباید منتظر نتیجه فوری بود و همواره باید یک نگاه بلندمدت و عمیق داشت (فیروزی و معین فر، ۱۳۹۴، ص ۱۷) که قطعاً بهترین چاره آن صبر و استقامت است.

علاوه بر صبر و انتظار برای رسیدن به نتیجه در کارهای فرهنگی، باید در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها نیز استقامت نمود. خداوند در قرآن به پیامبر بزرگوار اسلام فرمان صبر و استقامت می‌دهد و

می فرماید: «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» (روم: ۶۰) صبور باش که وعده خداوند حق است.

متولیان و برنامه ریزان امور فرهنگی، بایستی علاوه بر صبر، استقامت بورزند چنان که خداوند سبحان در قرآن کریم به پیامبر اسلام فرمان استقامت داده و می فرماید: «فَادْعُ وَاسْتَفِمْ كَمَا أُمِرْتُ» (شوری: ۱۵) پس دعوت کن و همان گونه که فرمان یافته‌ای استقامت بورز.

در مسیر دعوت پیامبران و مصلحان، دشمنی‌ها و مخالفت‌ها، سختی‌ها و ناملایمات فراوانی وجود داشته که قرآن نیز به آن اشاراتی داشته است: «كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْتَنُونَ» (ذاریات: ۵۲) این گونه است که هیچ پیامبری قبل از این‌ها به سوی قومی فرستاده نشد مگر اینکه گفتند: او ساحر است یا دیوانه!

گاهی نیز در مسیر اقدامات و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، شکست‌ها و ناکامی‌هایی رخ می‌دهد که باید صبر و استقامت نمود. به‌عنوان نمونه، در سفر تبلیغی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به طائف، منابع تاریخی به این صورت نقل کرده‌اند که پیامبر در طائف به فرزندان عمرو بن عمیر یعنی عبداللیل بن عمرو و حبیب بن عمرو و مسعود بن عمرو که از سروران ثقیف بودند برخورد و داستان خود را بر آن‌ها عرضه داشت و از قریش نزد آنان شکایت کرد. پس یکی از آن‌ها گفت: «من جامه‌های کعبه را دزدیده باشم اگر خدا تو را به پیغمبری فرستاده است! دیگری گفت: مگر خدا عاجز بود که جز تو را بفرستد؟ دیگری گفت: به خدا قسم! که یک کلمه با تو سخن نخواهم گفت هرگز، اگر چنانکه می‌گویی پیغمبر باشی، مقاومت بالاتر از آن است که سخنت را پاسخ دهم و اگر بر خدا دروغ می‌گویی مرا سزاوار نیست که با تو سخن گویم.» آن‌ها این گونه رسول خدا را مسخره کردند و گفتار خود را با او در میان مردم ثقیف شایع کردند و بر سر راهش دو صف شدند و چون رسول خدا می‌رفت سنگبارانش کردند تا آنجا که پای حضرت مجروح و خونین گشت در این باره رسول خدا اظهار داشته که از شدت آزار و اذیت سنگ اندازان «جز بر سنگ قدمی بر نمی‌داشتم و نمی‌نهادم.» (ابن هشام، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۴۱۹؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶)

بنابراین از مهم‌ترین شاخص‌های برنامه‌ریزی فرهنگی از نظر قرآن و سیره نبوی و اهل بیت (علیهم السلام)، عدم انتظار برای رسیدن به نتیجه سریع و فوری، عدم ناامیدی از شکست و ناکامی، پایداری در مسیر حق و... است که همگی تحت عنوان صبر و استقامت گنجانده می‌شود.

## ۲-۷. خلاقیت

متولیان امور فرهنگی و کسانی که برای فرهنگ برنامه‌ریزی می‌نمایند باید میزان استفاده از فعالیت‌های خلاقانه را افزایش دهند. چنانچه همه پیامبران، با توجه به شرایط زمانی و مکانی و

توانمندی‌های خویش، روش‌های متنوع و گسترده و خلاقانه‌ای برای رساندن پیام رسالت، اتخاذ کردند که می‌تواند الهام‌بخش باشد. در مورد خلاقیت و تنوع شیوه‌های تبلیغ در سیره نبوی در مباحث قبل اشاره گردید و سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز نشان می‌دهد که هریک از ائمه بزرگوار در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، روش‌ها و شیوه‌های متناسب با فضای اجتماعی و فرهنگی عصر خود را برگزیده است.

به‌عنوان نمونه شناخت اوضاع فرهنگی عصر امام رضا (علیه السلام) کمک می‌کند ضمن آگاهی از جو فکری و فرهنگی و نوع تفکرات غالب و قابل توجه در آن دوران، مخاطب با مواضع و شیوه‌های امام رضا (علیه السلام) در رویارویی با جریانات و افکار انحرافی و جایگاه مناظره در عصر آن حضرت آشنا گردد.

در این دوران، فرهنگ و معارف شیعی به‌صورت کامل و گسترده‌ای بروز و ظهور پیدا کرده بود و انحرافات جزئی، تأثیری در اصل تشیع نداشت؛ زیرا از زمان صادقین (علیهم السلام) شمار فراوانی از شاگردان ایشان رشد یافتند که هرکدام استوانه‌ای در فقه و کلام شیعی محسوب می‌شدند. (جهت آگاهی از اسامی شاگردان امامین صادقین (علیهم السلام) ر.ک: طوسی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۳-۳۲۸) از طرف دیگر، به دلیل تشویق اسلام به علم‌آموزی، هم‌زمان با پیشرفت‌های سیاسی و عقیدتی در کشورهای مختلف جهان، علوم و دانش‌های آن کشورها به محیط جامعه اسلامی راه یافت و کتاب‌های علمی دیگران از یونان گرفته تا مصر و از هند تا ایران و روم به زبان عربی که زبان جامعه اسلامی بود، ترجمه شد. (ابن العبري، ۱۹۹۲ م، ص ۱۳۶؛ رفاعی، ۱۹۲۷ م، ج ۱، ص ۳۷۷؛ زیدان، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۵۸)

اما از آنجاکه در بین مترجمان، افرادی از پیروان متعصب و سرسخت مذاهب زرتشت، صابئی، نسطوریان، رومیان و برهمن‌های هند بودند، فرصتی برای نشر عقاید فاسد و مسموم خود به دست آورده (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۳۳۱) و زمینه بروز عقاید خرافی و افکار انحرافی و غیر اسلامی در محیط جامعه آن روز فراهم شد. چنان‌که امام رضا (علیه السلام) در مناظره با سلیمان مروزی در بحث از جبر به او هشدار داد که تفکر توریشه در تفکر یهود دارد. (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۸۲)

اما آنچه مایه نگرانی و تأسف می‌شد این است که در دربار عباسیان، هیئت علمی نیرومند برخوردار از تقوا و دلسوزی برای نقد و بررسی آن عقاید وجود نداشت و پیامد این اتفاق، حاکم شدن عقل در همه امور است که به افراط و دوری آن‌ها از حق و سپس اختلاف بین آن‌ها منجر شد. (طه حسین، بی‌تا، ص ۲۲۵-۲۲۶)

در کنار این جو آشفته، وجود علمای ادیان و متکلمان برجسته و تلاش برای ترویج عقایدشان، منجر به شکل‌گیری و گسترش اندیشه‌ها و فرقه‌های کلامی متعدد از جمله واقفیه، معتزله، اهل

حدیث، مجبره، مفوضه، زنادقه در میان مسلمانان شده بود. (نوبختی، ۱۹۳۶ م، ص ۸۰ - ۸۲) امام رضا (علیه السلام) مدت زیادی از دوران حیات پربرکت خویش را با این گروه‌ها و دفع شبهات آنان دست‌به‌گریبان بود و مناظرات متعددی با این گروه‌ها داشتند. (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۳ و ۲۱۴؛ خطیب بغدادی، بیتا، ج ۱۱، ص ۷۲؛ ج ۸، ص ۲۱۲؛ ج ۱۴، ص ۳۰۲؛ شهرستانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۹ - ۱۲۲؛ طریحی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۷۸؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۱؛ شیخ صدوق، ۱۳۹۸ ق، ص ۲۵۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۳۹۶) همچنین با رسوخ آیین‌هایی چون بودا، هندو و مانوی در میان مسلمانان، اعتقاد به تناسخ در میان فرقه‌های اسلامی رواج یافت. تناسخ بدین معنا که ارواح از جسمی به جسم دیگر منتقل می‌شوند. (نوبختی، ۱۹۳۶ م، ص ۳۹ - ۴۰)

با گسترش حضور فرقه‌های کلامی و صاحبان ادیان مختلف در قلمرو اسلامی و وجود شرایط خاص فکری و فرهنگی در این دوران، امام رضا (علیه السلام) مسئولیت سنگینی را بر دوش خود احساس می‌نمودند. ایشان با شرکت در جلسات مناظره و پاسخگویی به سؤالات مخاطبان، به دفع شبهات فکری و اعتقادی اقدام می‌کردند. در حقیقت حرکت علمی امام رضا (علیه السلام) تأثیر بسزایی در بقای اسلام و عقاید مسلمانان داشت. چراکه بسیاری از باورهای دینی و اعتقادات اسلامی در دوران حاکمیت امین و مأمون در حال نابودی قرار داشت و مناظرات و جهاد علمی امام رضا (علیه السلام) نجات‌بخش اصول و آموزه‌های اسلامی بود و توانست اسلام را از هضم شدن در علوم و فرهنگ بیگانه نجات بخشد.

در این راستا، امروزه، از شیوه‌های متنوع و خلاقانه به جهت امور فرهنگی در فضای مجازی می‌توان استفاده کرد. در این زمینه می‌توان به موارد متعددی از جمله راه‌اندازی صفحات، کانال و گروه‌های مجازی برای پاسخگویی به شبهات، ترویج سبک زندگی اسلامی، تبلیغ مؤلفه‌های دینی، تربیت دینی فرزندان و... که همه این صفحات و سراچه‌ها مخاطبین متعددی دارند و روش‌هایی که در پی ترویج سبک زندگی دینی هستند طرفدار بیشتری دارند اما میزان تأثیرپذیری در افراد گوناگون متفاوت هست و بستگی به پیشینه ذهنی افراد دارد. به‌کارگیری این روش‌های نو و جدید در کنار هم کارایی بیشتری دارد چراکه با استفاده از سایت‌های علمی - مذهبی مخاطبان تخصصی‌تری جذب می‌شوند و با استفاده از سایت پاسخگویی به شبهات و صفحات ترویج سبک زندگی اسلامی، مخاطبان عام در مرکز قرار می‌گیرند. (فخار، ۱۴۰۱، ص ۲۶)

تنوع در اقشار مردم نیز در این بخش می‌تواند مطرح شود؛ برای مثال در جامعه امروز، تأثیرگذاری نمازخواندن یک معلم ریاضی بیشتر از معلم دینی و عربی است؛ بنابراین باید در تولید محتوا باید از مشاغل مختلف استفاده کرد تا تأثیر زیادی بگذارد یا حتی از مادر بزرگ‌ها و

پدر بزرگ‌ها نیز می‌توان استفاده کرد که با لحنی دلنشین در مورد حس و حال نماز بگوید. در این راستا باید به قالب‌های گرافیکی و هنری برای تولید محتوا، توجه جدی شود. به‌طور کلی باید نوآوری و به‌روز شدن اطلاعات و ارتباطات در فرایند تبلیغ دین نیز لحاظ شود. ایجاد گروه‌هایی برای مباحثه و مناظره و تبادل اطلاعات یکی از این روش‌های خلاقانه است که می‌تواند دین و فناوری را با یکدیگر درهم آمیزد. (همان)

## ۲-۸. سلوک اخلاقی و رفتار اسلامی

در کارهای فرهنگی یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که باید در امور فرهنگی و برنامه‌ریزی برای آن مدنظر قرار گیرد، پایبند بودن متولیان و مبلغان فرهنگی به سلوک اخلاقی و رفتار اسلامی است که در جذب افراد بسیار اثرگذار است. از مهم‌ترین سلوک اخلاقی در فرهنگ اسلام که در سیره نبوی و ائمه اطهار (علیهم السلام) مورد توجه بوده است می‌توان به شرح صدر، عفو و مدارا، تغافل، تشویق و تنبیه، محبت و حسن خلق، موعظه و جدال احسن، رعایت ادب و احترام و ساده زیستی اشاره کرد که در ادامه برخی از مصادیق آن در سیره اهل بیت (علیهم السلام) اشاره می‌گردد.

**شرح صدر:** گشاده دلی و شرح صدر متولیان و مبلغان فرهنگی، در امور فرهنگی بسیار لازم و ضروری است و تکرار آن در قرآن که به‌عنوان یکی از لوازم ضروری تبلیغ انبیاء عنوان گردیده، نشان از اهمیت آن در برنامه‌های فرهنگی دارد. قرآن کریم درباره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: ﴿الَّذِي نَفَخْنَا لَكَ صَدْرَكَ﴾ (انشراح: ۱) آیا سینه‌ات را [به نوری از سوی خود] گشاده نکردیم؟ همان‌طور که در تاریخ مکاتب دینی مشاهده شده، تمامی پیامبران در راستای فرایند تبلیغ خود، سعه صدر و استقامت را در پیش گرفته بودند. در قرآن کریم نیز پارها خداوند، خطاب به پیامبر به این مهم، اهتمام ورزیده است: ﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ﴾ (نحل: ۱۰۷) صبر کن و صبر تو فقط برای خدا و به توفیق خدا باشد! و به خاطر (کارهای) آن‌ها، اندوهگین و دلسرد مشو! و از توطئه‌های آن‌ها، در تنگنا قرار مگیر. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۱۴)

**عفو و مدارا:** پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در کنار صلابت و سازش‌ناپذیری در مسائل اصولی و مبانی عقیدتی، در مسائلی که حق شخص پیامبر مطرح بود، آن حضرت نرمش و رفق بسیاری به خرج می‌داد. در حقیقت پیغمبر در مسائل فردی و شخصی، نرم و ملایم بود نه در مسائل اصولی. (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۲۳۸) به‌گونه‌ای که در کتب سیره نبوی آمده است که رفتار پیامبر اسلام، سراسر عفو، رحمت و کرامت بود. (طبری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۶۶؛ ابن هشام، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴۲۰)

خداوند در قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در امر رسالت و چگونگی مواجهه با مردم می‌فرماید:

﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ﴾ (اعراف: ۱۹۹) عفو و مدارا و میانه‌روی را پیشه کن (عذر مردم را بپذیر و بر آنان آسان بگیر) و به کارهای عقل پسند و نیکو فرمان بده.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به مبلغان و فرستادگان فرهنگی خود نیز به عفو و مدارا توصیه می‌نمود. چنانکه هنگام اعزام معاذ بن جبل به یمن، پیش از آغاز مأموریت، دستورالعمل ارشاد و دعوت او را بدرقه راهش فرمود: «يَا مَعَاذُ يَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ وَبَشِّرْ وَلَا تُنْفِرْ» (همان، ج ۴، ص ۲۶۰) ای معاذ (در تبلیغ دین) آسان بگیر و سخت مگیر و مژده و نویدبخش باش و مردم را از دین بیزار مکن.

**تغافل:** تغافل و چشم‌پوشی نیز در روایات اسلامی بازتاب گسترده‌ای دارد و معصومین (علیهم السلام) در روایات متعددی به تغافل و چشم‌پوشی توصیه نموده‌اند. در حدیث معروفی که از سه امام بزرگوار، امام سجاد (علیه السلام)، امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) نقل شده است، پیامبر تغافل چنین می‌فرماید: «صَلِّحْ حَالَ التَّعَائُشِ وَ التَّعَاشِرِ مِلَّءُ مِكْيَالٍ ثَلَاثَةٌ فَطَنَةٌ وَ ثَلَاثَةٌ تَغَافُلٌ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۵۹) مصلحت همزیستی سالم و معاشرت با مردم در پیمان‌های است که دوسوم آن هوشیاری و یک‌سوم آن تغافل باشد.

این روایت، در واقع ضمن تأکید بر تغافل مثبت، از تغافل منفی بر حذر می‌دارد. ابتدا تأکید به هوشیاری و بیداری و ترک غفلت می‌کند و سهم آن را دوسوم می‌داند و مفهوم آن این است که انسان نباید از مسائل مهم زندگی بی‌خبر بماند؛ بلکه باید باکمال دقت، مراقب آنچه خیر و صلاح او در آن است، باشد. از سوی دیگر نسبت به اموری که لازم است مورد بی‌اعتنایی و بی‌توجهی قرار گیرد، دستور به تغافل می‌دهد؛ مانند فکر و دقت در مسائل جزئی زندگی که اهمیت چندانی ندارند و انسان را از تفکر در امور مهم بازمی‌دارد و همچنین مخفی کردن عیوب پنهانی دیگران در مواردی که مصلحت ایجاب می‌کند، کار پسندیده‌ای است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۵۳)

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نیز در این رابطه می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يَعْضُضْ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَعَّصَتْ عَيْشَتُهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۱۳۹) کسی که تغافل و چشم‌پوشی از بسیاری امور نکند، زندگی برای او ناگوار خواهد شد.

در بیان دیگری می‌فرماید: «وَ عَظَّمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدُّنْيَا مِنَ الْأُمُورِ... وَ لَا تَكُونُوا بَحَائِثِينَ عَمَّا غَابَ عَنْكُمْ، فَيَكْثُرُ عَائِبُكُمْ... وَ تَكْرَمُوا بِالتَّعَامِي عَنِ الْأَسْتِصَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۶۴) قدر و منزلت خود را با «تغافل» نسبت به امور پست و کوچک بالا برید... و زیاده از اموری که پوشیده و پنهان است تجسس نکنید که عیب جویان شما زیاد می‌شوند... و با چشم برهم نهادن از دقت بیش‌ازحد در جزئیات، بزرگواری خود را ثابت کنید.

بدیهی است، زندگی انسان‌ها خالی از اموری نیست که برخلاف توقّع باشد. اگر انسان جزئیات زندگی دیگران را با کنجکاوای و دقّت پیدا کند و آن‌ها را مورد بازخواست قرار دهد، زندگی برایش تلخ و دوستان از اطراف او پراکنده می‌شوند. از این احادیث، به خوبی موارد تغافل روشن می‌شود و نشان می‌دهد که مربوط به امور مهم و سرنوشت‌ساز زندگی نیست؛ بلکه مربوط به امور جزئی و کم‌اهمیت است که در زندگی وجود دارد. بنابراین تغافل منافاتی با امر به معروف و نهی از منکر و انتقاد سازنده ندارد؛ زیرا، امر به معروف و نهی از منکر مربوط به واجبات و محرمات است که از محدوده تغافل بیرون است و انتقاد سازنده مربوط به اموری است که در سرنوشت فرد و جامعه اثر قابل ملاحظه‌ای دارد، درحالی‌که تغافل مربوط به امور جزئی و کم‌ارزش و یا عیوبی می‌باشد که مصلحت در آن است که در پرده بماند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۵۳)

**تشویق و تنبیه:** انسان فطرتاً نسبت به محبت، مهر، تشویق و قدردانی تمایل دارد و بر این اساس، بهترین روش در برانگیختن انسان‌ها برای اصلاح رفتار، تقویت و تکرار عملکرد مطلوب و مثبت، روش تشویق و تحسین است. امام علی (علیه السلام) در تشویق یکی از فرمانداران خود می‌نویسد: «فَأَنَّكَ مَنِّ اسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَىٰ أِقَامَةِ الدِّينِ وَ أَقْمَعُ بِهِ نَخْوَةَ الْأَيْمِمْ وَ اسُدُّ بِهِ هَاةَ الثَّغْرِ الْمُخَوِّفِ» (نهج البلاغه، نامه ۴۶) همانا تو کسانی هستی که در یاری دین از آن‌ها کمک می‌گیرم و سرکشی و غرور گناهکاران را درهم می‌کوبم و مرزهای کشور اسلامی را که در تهدید دشمن قرار دارند حفظ می‌کنم.

از سوی دیگر، امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگامی که با تخلفی از سوی کارگزاران حکومت روبه‌رو می‌گشت، واکنش و یا تنبیه متناسب با آن را برمی‌گزید، به‌عنوان نمونه در نکوهش کمیل بن زیاد به خاطر اینکه مقابله با لشکریان مهاجم شام را ترک کرده بود نوشتند: «فَقَدْ صَرَّتْ جِسْرًا لِمَنْ أَرَادَ الْعَارَةَ مِنْ أَعْدَائِكَ عَلَىٰ أَوْلِيَائِكَ غَيْرَ شَدِيدِ الْمُنْكَبِ وَ لَا مَهِيْبِ الْجَانِبِ وَ لَا سَادًّا تُغْرَةً وَ لَا كَاسِرٍ لِعَدُوِّ سَوْكَةً وَ لَا مُغْنٍ عَنِ أَهْلِ مِصْرِهِ وَ لَا مُجْزٍ عَنِ أَمِيرِهِ» (همان، نامه ۷۱) تو در آنجا پلی شده‌ای که دشمنان تو از آن بگذرند و بر دوستانت تهاجم آورند، نه قدرتی داری که با تو نبرد کنند و نه هیبتی داری که از تو بترسند و بگریزند، نه مرزی را می‌توانی حفظ کنی و نه شوکت دشمن را می‌توانی درهم بشکنی، نه نیازهای مردم دیارت را کفایت می‌کنی و نه امام خود را راضی نگه می‌داری.

مهم‌ترین اثر تشویق و تنبیه در برنامه‌های فرهنگی و تربیتی، تثبیت و تقویت یا ترک یک رفتار یا خصیصه است و در آموزه‌های اسلام، متناسب با فرد و کار وی، تشویق و تنبیه در نظر گرفته می‌شود و باید در این امر از افراط و تفریط دوری کرد. از جلوه‌های مهم این شیوه، تشویق مؤمنانی

است که مرحله نخستین دعوت را پذیرفته و به جرگه مسلمانی پیوسته‌اند و اکنون نیازمند ارشاد و ترغیب بیش‌تر در جهت تعمیق ایمان و عمل صالح می‌باشند. شاید بتوان گفت این شیوه در سلوک تبلیغی رسول اکرم مهم‌ترین جایگاه را داشته است. (سبحانی، ۱۳۸۹، ص ۳۷)

خداوند در قرآن برای تشویق و پاداش مؤمنان می‌فرماید: «وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (تغابن: ۹) و هر کس به خدا ایمان آورد و کار شایسته‌ای کرده باشد، بدی‌هایش را از او بسترده و او را در بهشت‌هایی که از زیر درختان آن جویبارها روان است درآورد، این است همان کامیابی بزرگ.

از سوی دیگر، مبلغان الهی همواره بیم دادن و آگاهاندن مخاطبان نسبت به عاقبت و فرجام بد بی‌ایمانی را در دستور کار دعوت خویش داشته‌اند، به طوری که گاهی خود را تنها با عنوان نذیر یا منذر معرفی می‌کنند: «أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ» (ص: ۷۰) در انداز، عنصر آگاهی و هشدار نقش اصلی را دارد چراکه تحویف و ترساندن صرف، نه در شأن انبیاست و نه به‌تنهایی مفید فایده است، بلکه آنان بیان‌کننده وعده و وعیدهای غیرقابل‌تغییری می‌باشند که تحقق خواهد یافت و این آگاهی می‌تواند باعث نگرانی، خوف از سرانجام کار و در نتیجه ایمان به پیامبر شود. (سبحانی، ۱۳۸۹، ص ۳۸)

در برخی آیات قرآن، انداز به عذاب اخروی و دنیوی چنین بیان گردیده است: «إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ» (مانده: ۷۲) هر کس به خدا شرک آورد، قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است.

**محبت و حسن خلق:** یکی دیگر از رموز موفقیت چشمگیر پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) در عرصه دعوت خویش، مهربانی، خوش‌رویی و برخورد مشفقانه و مهرآمیز و دوستی خالصانه با مخاطبان بود. او مشرکان را به‌منزله بیمارانی نیازمند مداوا و مؤمنان را برادرانی محتاج راهنمایی و هر دو گروه را لایق شفقت و رزق می‌دید و از این جهت برخوردی در نهایت صمیمیت، عاطفه و دلسوزی داشت تا دل‌های آنان را برای پذیرش پیام‌های آسمانی نرم و پذیرا گرداند و از مقاومت و عنادشان بکاهد. خداوند در قرآن به این حقیقت اشاره کرده و می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹) (ای رسول ما!) پس به خاطر رحمتی از جانب خدا (که شامل حال تو شده)، با مردم مهربان گشته‌ای و اگر خشن و سنگدل بودی، (مردم) از دور تو پراکنده می‌شدند.

امیر مؤمنان در این باره فرمود: «پیامبر نرم‌خوترین مردم و در معاشرت، بزرگواری‌ترین مردم بود.»

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۳۱)

همچنین در روایات آمده است، رسول خدا هرگاه کسی را افسرده می‌دید با خوش‌رویی و مزاح، او را شادمان می‌ساخت و می‌فرمود: «خداوند کسی را که در حضور برادرانش روی تَرش کند، دوست نمی‌دارد.» (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۴۷) این صفات نیکو، آن هنگام که پیغمبر گرامی با تندخویی و تهمت زنی مخالفان مواجه می‌شد تبلور بارزتری داشت. هرگاه شخصیت آن حضرت آماج تیره‌های تهمت و دشنام کوردلان و ناآگاهان واقع می‌شد، پاسخ حضرتش پیوسته از روی کرامت نفس، سعه‌صدر، اغماض و گذشت بود. بخصوص علما و احبار یهود بسیار از پیامبر پرسش‌های عیبجویانه و معاندانه می‌کردند و شبهاتی به‌منظور مغالطه حق و باطل مطرح می‌کردند و پیامبر با رهنمود قرآن، باامانت و سعه‌صدر به‌طور کامل پاسخ آن‌ها را می‌داد. (ابن هشام، ۱۹۶۳، ج ۱، ص ۵۱۳)

بنابراین کلید موفقیت متولیان و مبلغان فرهنگی و کسانی که می‌خواهند در برنامه‌های فرهنگی مشارکت داشته باشند، همین خوش‌رویی و خوش‌زبانی بوده است که در فرهنگ اسلام به‌شدت بر آن تأکید شده است. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۴۹) به‌گونه‌ای که امام رضا (علیه السلام) خوش‌اخلاقی را از مروت دانسته (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۷) و فرموده‌اند: «رسول خدا فرمود: هیچ چیزی در ترازوی اعمال سنگین‌تر از اخلاق نیکو نیست.» (همان، ص ۳۷)

**موعظه و جدال احسن:** موعظه و مناظره یکی از سنت‌های حسنه‌ای است که جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ اسلام دارد. در اهمیت آن همین اندازه کافی است که خداوند متعال در قرآن به این موضوع اشاره کرده و می‌فرماید: ﴿وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل: ۱۲۵) و با این آیه شریفه، پیامبر گرامی خود را به مناظره و جدال احسن با مخالفان فراخوانده و از مناظره و جدال‌هایی که این ویژگی را ندارند، نهی فرموده و می‌فرماید: ﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...﴾ (عنکبوت: ۴۶)

در تاریخ اسلام نمونه‌های متعددی از مناظرات و گفتگوهای پیشوایان معصوم (علیهم السلام) در راستای تبیین حق و زدودن ابهامات و اختلافات در دریافت از وحی و رسیدن به نقاط مشترک وجود دارد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در زندگی بابرکت خود به پیروان ادیان دیگر حتی به مشرکان و کافران اجازه می‌داد سخن و عقیده خود را ابراز کرده و خود نیز با آنان مناظره می‌کرد و آموزه‌های دینی را با بیانی صریح و مستدل به آن‌ها می‌آموخت. احتجاج‌های پیامبر گرامی اسلام با مشرکان جزیره العرب، مسیحیان نجران، یهودیان، مادیون و منکران معاد در بسیاری از آیات قرآن و کتاب‌های روایی منعکس شده است. (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲)

ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز با تأسی به سیره پیامبر اکرم با مخالفان و منکران خود محاجّه و مناظره داشتند. بیشتر مناظرات امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) حول محور اثبات امامت و خلافت

خویش است. (خطبه‌های ۵۵، ۶۷، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۶۲، ۱۸۴ نهج البلاغه) همچنین گفتگوهایی امام علی (علیه السلام) با خوارج در مورد تحکیم، (همان، ج ۱، ص ۱۸۵) با مرد یهودی درباره مسائل مختلف (همان، ج ۱، ص ۲۲۶) و با زنادقه درباره قرآن (همان، ص ۲۴۰) نمونه‌های دیگری از مناظرات امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

در عصر امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) شیوه مناظره و احتجاج تحول یافت و آن امامان بزرگوار با آموزش بحث‌های فلسفی، جدل و حکمت به شاگردان خاص خود، هریک از آنان را برای بحث و مناظره در زمینه‌های خاص تربیت نمودند. (نصر، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۱۹) با توجه به فضای باز علمی و فرهنگی در عصر امام صادق (علیه السلام) از ایشان مناظرات زیادی در کتاب‌های روایی مختلف ثبت شده است. از آن جمله می‌توان به مناظره‌ایشان با گروه‌های مختلف از مذهب متعدد علوم دینی، (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۳۳۱ - ۳۸۵) با ابن ابی العوجاء، (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۷۶) ابو شاکر دیصانی در مورد وجود خدا (شیخ صدوق، ۱۳۹۸ ق، ص ۲۹۰) اشاره کرد.

دوران امامت امام رضا (علیه السلام) به دلیل هم‌زمانی آن با ورود اندیشه‌های مختلف و شکوفایی نهضت ترجمه از اهمیت خاصی برخوردار بود که ضرورت تشکیل جلسات بحث و مناظره علمی را دوچندان می‌کرد. مناظرت نغز و ژرف امام با ارباب فرق و مذاهب به‌ویژه یهود، نصاری، مجوس و متکلمان نامدار که به دستور مأمون عباسی انجام می‌گرفت، نمونه‌ای از بهترین و شنیدنی‌ترین مناظره‌ها می‌باشد. از عمیق‌ترین و جذاب‌ترین مناظرات ایشان در موضوعات مختلف توحیدی، کلامی و تفسیری چهار مناظره‌ای است که در یک مجلس و با حضور مأمون و برخی از دانشمندان صورت گرفت که عبارت‌اند از: مناظره با جاثلیق، رأس الجالوت (لقب دانشمندان و بزرگان ملت یهود) هیربداکبر (لقبی است مخصوص بزرگ زرتشتیان؛ معین، ۱۳۸۱، ص ۱۲۲۵) و عمران صابی (صابی). (فیروزآبادی، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۱۲۵؛ صفی پور، بی‌تا، ج ۱ و ۲، ص ۱۵۷)

بررسی مناظره و جدال احسن در سیره رسول خدا و ائمه اطهار (علیهم السلام) نشان می‌دهد که احتجاجات و مناظرات بر مبنای قرآن و روایات و علاوه بر آن با استفاده از روش‌های عقلی و کلامی در برخی موارد بسیار کاربردی و راهگشاست و بخصوص در مسائل فرهنگی بسیار روشنگرانه خواهد بود.

**رعایت ادب و احترام:** در سیره هیچ شخصیتی در طول تاریخ به اندازه سیره درخشان رسول مکرم اسلام، احترام و ادب برخاسته از عمق جان در قبال انسان‌ها به چشم نمی‌خورد. آن حضرت حتی در مواجهه با کافران و مشرکان، به لحاظ حرمت انسانی، جانب ادب را فروگذار نمی‌کرد و این از عوامل موفقیت چشمگیر دعوت او بود. منشأ این التزام به حفظ حرمت انسان‌ها را در قرآن باید

جستجو کرد؛ زیرا او تجسم قرآن بود چنان‌که وقتی از همسر پیامبر اسلام درباره اخلاق او پرسیدند، پاسخ داد: «كَانَ خُلُقَهُ الْقُرْآنَ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ ق، ج ۶، ص ۱۶۳؛ فسوی، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۳۶۱) اخلاقش قرآن بود. همچنین خداوند در قرآن نیز می‌فرماید: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٍ» (قلم: ۴) به‌راستی که تو صاحب اخلاق عظیم و برجسته‌ای هستی.

در جای جای آیات قرآن، رعایت ادب و احترام و حریم انسانیت را بس محترم می‌شمارد: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۹۳) با مردم به نیکی سخن گویند.

حتی در برخورد با دشمنان این‌گونه توصیه به رعایت ادب و احترام می‌نماید: «اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ... فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا» (طه: ۴۳ و ۴۴) به سوی فرعون روید و با او سخن نرم بگویید.

رعایت ادب و احترام از سوی پیامبر اسلام به‌گونه‌ای بود که امام حسین (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «پیامبر در مجلس خود، بهره‌هر کس را عطا می‌کرد، به‌طوری‌که هیچ‌کس گمان نمی‌کرد کسی از او نزد پیغمبر گرامی‌تر باشد. مجلس او مجلس گذشت، حیا، راستی و امانت بود.» (طبرسی، ۱۳۲۹ ق، ج ۱، ص ۱۴)

**ساده زیستی:** پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از آنجاکه می‌خواهد به‌عنوان اسوه‌ای تمام‌عیار و همیشگی برای انسان‌ها هدایتگر آن‌ها باشد و ایشان را به پیروی خود، دلگرم و تشویق کند، همانند سایر انسان‌ها زندگی کرده و از هرگونه تعین و تشخیص که موجب فاصله گرفتن مخاطبان از او گردد، خودداری می‌کرد و کتاب‌های سیره و تاریخی، مملو از نقل‌ها و روایاتی است که نشانگر ساده‌زیستی پیامبر مکرم اسلام و زندگی در ساده‌ترین شکل آن است. در حقیقت تناسب شیوه زندگی میان اسوه و متأسی، یکی از ابعاد ضروری هماهنگی میان آن دو است و اساساً فاصله سطح و شیوه زندگی افراد، از جمله موانع ایجاد رابطه میان انسان‌هاست و نظر به این‌که در امور فرهنگی و تبلیغ دین، ایجاد رابطه ناگسستگی غیرقابل اغماض است، اسوه‌ها باید در جهت هماهنگی شیوه زندگی خود با توده‌ها بکوشند. (حجتی و عباسی مقدم، ۱۳۷۷، ص ۱۹۹)

## ۲-۹. نظارت و ارزشیابی

برای تحقق هر برنامه فرهنگی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های آن، نظارت و ارزشیابی است. در واقع نظارت و ارزشیابی مناسب، به‌موقع و کارا، شرط دستیابی به اهداف در نظر گرفته‌شده است. در صورت نبود نظارت بر یک برنامه ممکن است نه‌تنها اجرای برنامه در جهت اهداف فرهنگی نباشد، بلکه در جهت نابودی منابع و دستیابی به اهداف متضاد و یا اهدافی غیر از آنچه برای برنامه در نظر گرفته‌شده است، باشد؛ بنابراین در فرآیند برنامه‌ریزی فرهنگی، در سه مرحله تصمیم‌گیری، اجرا و

پس از اجرا، وجود نظارت و ارزشیابی ضروری است. (عبادی و رضایی، ۱۳۹۷، ص ۴) نبود نظارت و ارزیابی کارا در هر یک از این مراحل کافی است تا دستیابی به اهداف را ناممکن ساخته و یا به تکرار اشتباهات گذشته و عدم اصلاح چگونگی تصمیم‌گیری و اجرای برنامه منجر شده و ساختار برنامه‌ریزی را با مشکل مواجه کند. وجود مشکل در ساختار برنامه‌ریزی، به معنای عدم کارایی آن و اتلاف منابع و عدم دستیابی به اهداف خواهد بود. (هادی زنون، ۱۳۸۹، ص ۴۵)

یکی از سنت‌های ثابت الهی، نظارت کامل، دقیق و مداوم بر اعمال و نیات انسان‌ها و بازرسی و ارزیابی آن‌هاست. خداوند متعال در این دنیا، دقیقاً بر تمام اعمال، گفتار و نیات انسان‌ها نظارت دارد و بر مبنای همین نظارت دقیق و کامل است که در روز قیامت، همه‌کاره‌ای انسان را مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد و پاداش یا کیفر مناسب را برای هر یک از آن‌ها تعیین می‌کند. خداوند سبحان، در قرآن کریم بارها در آیات متعدد، مسئله نظارت و بازرسی اعمال بندگانش را مطرح کرده است: ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ عَمَلًا کَرِیْمًا وَرَسُوْلُهُ وَاَلْمُؤْمِنُوْنَ وَسَتُرَدُّوْنَ اِلَیَّ عَلَیْمِ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ فِیْبَیْنِكُمْ بِمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ﴾ (توبه: ۱۰۵) (ای پیامبر)، بگو عمل کنید، خداوند و رسول خدا و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند و به‌زودی به سوی کسی بازمی‌گردید که پنهان و آشکار را می‌داند و شما را به آنچه عمل می‌کردید خبر می‌دهد.

پیش از همه و برتر و بالاتر از همه، ذات پاک خداوند بر اعمال و رفتار و نیات بندگانش نظارت می‌نماید و در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَمَا تَكُوْنُ فِیْ شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوْ مِنْهُ مِنْ قُرْاٰنٍ وَلَا تَعْمَلُوْنَ مِنْ عَمَلٍ اِلَّا کُنَّا عَلَیْكُمْ شٰهِدًا اِذْ تُفِیْضُوْنَ فِیْهِ﴾ (یونس: ۶۱) در هر حال که باشی و هر آیه‌ای از قرآن که بخوانی و هر کاری را انجام دهی، ما شاهد و ناظر بر شما هستیم، هنگامی که در آن کار وارد می‌شوید.

علاوه بر ذات مقدس خداوند سبحان، پیامبران و امامان (علیهم السلام) (نساء: ۴۱) فرشتگان (ق: ۲۱) اعضای بدن انسان (نور: ۲۴) زمین (زلزال: ۱-۵) و زمان نیز بر اعمال و رفتار انسان‌ها نظارت داشته و در روز قیامت انسان را مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهند. به‌عنوان نمونه، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در مورد زمان می‌فرماید: «هیچ روزی بر فرزند آدم نمی‌گذرد، مگر این که به او می‌گوید: ای فرزند آدم، من روز تازه‌ای هستم و بر تو گواه هستم.» (قمی، بیتا، ج ۲، ص ۱۷۸)

حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام)، در عهدنامه معروف مالک اشتر، درباره نظارت و ارزیابی چنین دستور می‌دهند: «با فرستادن مأموران مخفی و راستگو و باوفا، کارهای آنان را زیر نظر بگیر؛ زیرا بازرسی مداوم و پنهانی، سبب می‌شود که آن‌ها به امانت‌داری و مدارا با زیردستان ترغیب شوند.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

در این قسمت از نامه، حضرت علی (علیه السلام) علاوه بر دستور به داشتن نظارت و بازرسی و توصیه به مداومت در انجام آن، به خصوص به صورت پنهانی، به چند مورد از مزایا و فواید وجود نظارت نیز اشاره فرموده است از جمله امانت‌داری کارکنان و مدارا کردن با زیردستان و مراجعان. در قسمت دیگری از این نامه، حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «ای مالک، باید وضع آنان را، چه آن‌ها که در مرکز فرمانداری تو هستند و چه آن‌ها که در گوشه و کنارند بازرسی و بررسی کنی.» (همان) آن حضرت در این بخش از نامه، علاوه بر این‌که مالک اشتر را موظف می‌کنند که بر اعمال کارکنان خود نظارت داشته باشد و اعمال و رفتار آنان را بررسی و بازرسی نماید، به مسئله دیگری نیز اشاره فرموده‌اند و آن این‌که نظارت و بازرسی باید به صورت جامع و کامل انجام شود و همه افراد سازمان و مجموعه موردنظر را در برگیرد.

## نتیجه‌گیری

- با توجه به مباحثی که در این پژوهش مطرح گردید، مهم‌ترین نتایج و دستاوردهای آن تبیین می‌گردد:
۱. از مهم‌ترین شاخص‌هایی که در برنامه‌ریزی فرهنگی باید بدان توجه نمود، جذابیت و تنوع شیوه‌ها و برنامه‌های فرهنگی است. توجه به سلايق مختلف فرهنگی جامعه نیز شاخص مهمی است که نباید نادیده گرفته شود. توجه به سبک‌های مختلف زندگی بومی و منطقه‌ای و تنوع سلايق و گرایش‌ها مذهبی و دینی باعث می‌شود اولاً برنامه‌های فرهنگی برای مناطق مختلف متناسب با فرهنگ بومی و سلیقه و آداب و سنن رایج آن منطقه طراحی گردد، ثانیاً توجه به این مسئله باعث جذب حداکثری افراد جامعه و طیف‌های گوناگون برای مشارکت و جذب و فعالیت آنان در برنامه‌های فرهنگی می‌شود. به خصوص جوانان هر منطقه که انگیزه بسیار بالایی برای فعالیت‌های فرهنگی و نقش‌آفرینی در فرهنگ منطقه خود دارند و برای مشارکت و تعاون و همکاری در برنامه‌های فرهنگی و جذب آن‌ها از گروه‌های مختلف باید به دنبال اشتراکات و چشم‌اندازهای واحد بود. نکته دیگر آنکه اگر در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی به سلايق مختلف توجه گردد، تألیف قلوب و دل‌بستگی و جذب آن‌ها به جامعه اسلامی و ارزش‌های کشور بیشتر خواهد شد.
  ۲. مرحله‌بندی تبلیغ و زمان‌بندی از دیگر شاخص‌های برنامه‌ریزی فرهنگی است که باید مدنظر قرار گیرد.
  ۳. قاطعیت و عدم سازش در اصول فرهنگی، انتخاب مسئولان مناسب، متخصص و متعهد و حذف امور بیهوده و لغو، اثرات بسیار سازنده و مؤثری در پیشبرد برنامه‌های فرهنگی خواهند داشت.

۴. داشتن خلاقیت و بهره‌مندی از سلوک اخلاقی و رفتار اسلامی همچون شرح صدر، عفو و مدارا، تغافل، تشویق و تنبیه، محبت و حسن خلق، موعظه و جدال احسن، رعایت ادب و احترام و ساده زیستی بخصوص در مسئولان و متولیان فرهنگی، از مهم‌ترین و اثرگذارترین شاخص‌هایی است که باید در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی مدنظر قرار گیرد.

۵. نظارت و ارزشیابی در تمام مراحل برنامه‌ریزی، چه در مرحله طراحی و تدوین، چه در مرحله اجرا و پس از آن، از اثرگذارترین شاخص‌های برنامه‌ریزی فرهنگی به شمار می‌رود. نظارت و ارزشیابی مناسب، به موقع و کارا، شرط دستیابی به اهداف است و در صورت نبود نظارت بر یک برنامه ممکن است نه تنها اجرای برنامه در جهت اهداف فرهنگی نباشد، بلکه در جهت نابودی منابع و دستیابی به اهداف متضاد و یا اهدافی غیر از آنچه برای برنامه در نظر گرفته شده است، باشد. بنابراین در فرآیند برنامه‌ریزی فرهنگی، در سه مرحله تصمیم‌گیری، اجرا و پس از اجرا، وجود نظارت و ارزشیابی ضروری است.

درنهایت می‌توان گفت اگر برنامه‌ریزی فرهنگی بر اساس مدل و الگوی اسلامی با الهام از سیره نبوی و آموزه‌های قرآن صورت گیرد، افراد جامعه به‌عنوان نیروی مؤثر تحولات فرهنگی در گسترش و تثبیت فرهنگ اسلامی بسیار مؤثر و برجسته به ایفای نقش خواهند پرداخت.

## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

## کتاب

۱۵. ابن العبری، جرج. (۱۹۹۲ م). تاریخ مختصرالدول (ج ۳). انطون صالحانی البسوعی (مترجم). بیروت: دارالشرق.
۱۶. ابن بابویه، محمد بن علی شیخ صدوق. (۱۳۹۸ ش). التوحید (هاشم حسینی، مترجم). قم، جامعه مدرسین.
۱۷. ابن بابویه، محمد بن علی شیخ صدوق. (۱۳۷۸ ش). عیون اخبارالرضا (مهدی لاجوردی، تصحیح). تهران، جهان.
۱۸. ابن حنبل، احمد بن محمد. (۱۴۱۶ ق). مسند (ج ۳). بیروت: موسسه الرساله.
۱۹. ابن سعد، ابوعبدالله محمد بن سعد. (۱۴۰۵ ق). طبقات الکبری. بیروت: داربیروت.
۲۰. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ ق). تحف العقول (علی اکبر غفاری، تصحیح). قم، جامعه مدرسین.
۲۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (بی تا). الفهرست. بیروت: دارالمعرفه.
۲۲. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن هشام. (۱۴۰۳ ق). السیره النبویه. بیروت: دارالفکر.
۲۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ ق). غرالحکم (سیدمهدی رجایی، تصحیح). قم: دارالکتاب الاسلامی.
۲۴. جمیل، محمد بن فارس. (بی تا). داستان مهاجرت به حبشه. بیجا: بینا.
۲۵. حسن پور، محمد. (۱۳۸۶ ش). پژوهشی در حیظه فرهنگ عمومی. رشت: بلور.
۲۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه. (بی تا). تفسیر نورالثقلین (هاشم رسولی محلاتی، تصحیح). قم: دارالکتب العلمیه.
۲۷. خطیب بغدادی، احمد بن علی. (بی تا). تاریخ بغداد (مصطفی عبدالقادر عطاء، مترجم). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۸. دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۰ ش). سیره نبوی، دفتر دوم: سیره اجتماعی. تهران: وزارت ارشاد.
۲۹. دمیاطی، ابوبکر بن محمد. (۱۴۱۸ ق). اعانة الطالبین. بیروت: دارالفکر.

۳۰. دوانی، علی. (۱۳۶۱ ش). تاریخ اسلام: از آغاز تا هجرت. تهران: حقایق.
۳۱. رضایی، علی اکبر و فردرو، محسن. (۱۳۸۶ ش). آشنایی با اصول برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فرهنگی. تهران: عباسی.
۳۲. رفاعی، احمدفرید. (۱۹۲۷ م). عصر المأمون. بی‌جا: دارالکتب المصریه.
۳۳. زیدان، جرجی. (۱۳۷۲ ش). تاریخ تمدن اسلام (علی جواهرکلام، مترجم). تهران: امیرکبیر.
۳۴. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۹ ش). تاریخ اسلام. قم: امام عصر.
۳۵. سیدقطب. (۱۴۰۸ ق). فی ضلال القرآن. بیروت: دارالشروق.
۳۶. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (بی‌تا). الملل و النحل (علی فاعور و امیرعلی مهنا، مترجم). بیروت: دارالمعرفه.
۳۷. صفی پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم. (بی‌تا). منتهی الارب. بیجا: کتابخانه سنایی.
۳۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴ ش). تفسیر المیزان (سیدمحمدباقر موسوی همدانی، مترجم). قم، جامعه مدرسین.
۳۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۶۲ ش). سنن النبی (محمدهادی فقهی، مترجم). تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۴۰. طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ ق). الاحتجاج (محمدباقر موسوی خراسان، مترجم). مشهد: مرتضی.
۴۱. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۲۹ ق). مکارم الاخلاق. بیروت: موسسه اعلمی للمطبوعات.
۴۲. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۵ ق). مجمع البیان. بیروت: دارالاضواء.
۴۳. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۰۸ ق). تاریخ طبری. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۴. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۴۱۴ ق). مجمع البحرین (تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه). قم: موسسه بعثت.
۴۵. طه حسین. (بی‌تا). آئینه اسلام (محمدابراهیم آیتی، مترجم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴۶. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۷۳ ش). رجال (جواد قیومی اصفهانی، تحقیق). قم، جامعه مدرسین.
۴۷. فسوی، یعقوب بن سفیان. (۱۴۱۰ ق). المعرفه و التاریخ. مدینه منوره: مکتبه الدار.
۴۸. فضل‌الله، محمدحسین. (۱۳۹۹ ق). اسلوب الدعوة فی القرآن الکریم. بیروت: دارالزهراء.
۴۹. فلیح حنوش، جعفر حسین. (۲۰۰۳ م). جعفر بن ابیطالب. بغداد: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام).

۵۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). قاموس المحيط (مکتب التحقیق التراث فی موسسه الرساله، تحقیق). بیروت: موسسه الرساله.
۵۱. قرانتی، محسن. (۱۳۸۳ ش). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۵۲. قمی، عباس. (بی‌تا). سفینه البحار. قم: اسوه.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). الکافی (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تحقیق). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۵۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). بحارالانوار. بیروت: موسسه الوفاء.
۵۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۶ ش). سیری در سیره نبوی. تهران: صدرا.
۵۶. معین، محمد. (۱۳۸۱ ش). فرهنگ فارسی. تهران: سرایش.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷ ش). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (علیه السلام).
۵۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۹. نصر، سیدحسین. (۱۳۸۳ ش). تاریخ فلسفه اسلام. تهران: حکمت.
۶۰. نوبختی، حسن بن موسی. (۱۹۳۶ م). فرق الشیعه (سیدمحمدصادق آل بحرالعلوم، مترجم). نجف: مطبعه الحیدریه.
۶۱. هادی زنون، بهروز. (۱۳۸۹ ش). بررسی نظام برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران (دوره قبل از انقلاب اسلامی). تهران: دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس.
۶۲. واقدی، محمد بن عمر. (بی‌تا). المغازی. بیروت: اعلمی.
۶۳. یعقوبی، احمد بن اسحاق. (بی‌تا). تاریخ یعقوبی. بیروت: دارصادر.

## مقاله

۶۴. ایوانز، گریم. (زمستان ۱۳۸۱). «برنامه‌ریزی فرهنگی مفهومی هنوز مبهم» (پرویز اجاللی، مترجم). فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۳۳.
۶۵. بهرامی، اردشیر. (تیر ۱۳۸۸). «آشنایی با اصول برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فرهنگی». نشریه کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۶.
۶۶. چلبی، مسعود. (زمستان ۱۳۸۱). «برنامه‌ریزی فرهنگی عامل تغییر یا ثبات». فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۳۳.

۶۷. حجتی، محمدباقر و عباسی مقدم، مصطفی. (زمستان ۱۳۷۷). «برجسته‌ترین شیوه‌های تبلیغی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)». مدرس علوم انسانی، شماره ۹.
۶۸. حسینی صفا، سید محسن و غیاثوند، زهرا. (۱۳۹۸). «ظرافت‌ها و عوامل تأثیرگذار تبلیغ دین در بستر فضای مجازی». *Pure Life*، سال ۱۸، شماره ۲۴.
۶۹. عبادی، محمدحسین و رضایی، محمدجواد. (بهار ۱۳۹۷). «آسیب‌شناسی جایگاه نظارت و ارزیابی در برنامه‌ریزی توسعه ایران». فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، شماره ۲۱.
۷۰. فخار، نگین. (تابستان ۱۴۰۱). «ویژگی‌ها و روش‌های تبلیغ دین در فضای مجازی از منظر آیات و احادیث». نشریه مطالعات علوم اسلامی انسانی، شماره ۳۰...
۷۱. فیروزی، نعمت‌الله و معین فر، عباس. (۱۳۹۴). «آسیب‌شناسی مدیریت فرهنگی از منظر قرآن کریم». پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۱۰۷.
۷۲. محمدی اشتهاردی، محمد. (بهار ۱۳۷۹). «ویژگی‌های عبادالرحمن: مبارزه شدید سلبی با بیهوده‌گرایی و ارزش وقت». پاسدار اسلام، شماره ۲۳۰.